

شماره ۶۰-۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴

www.anileters.com

نخستین مجله ۵ زبانه
در ۵۰ صفحه



- بررسی شخصیت دیکتاتورها
- عوامل ساختاری در نسل کشی
- تانر آکچام نویسنده کتاب اقدام شرم آور
- رابرت مک فارلین، مشاور امنیت ملی
دولت رونالد ریگان

مصاحبه با جناب آقای
"ژوزف امیریان"
وکیل پایه یک دادگستری



Անի Շաքարաթերթ
ՀԱՆՐԱՊԵՏՈՒԹՅԱՆ
ՄԱՍԻՆԻՍՏՐԱՏՈՐԱՏԻ

مقدمه.....	۹
بزرگان شعر.....	۲۰-۲۷
شعرشاعران.....	۳۷-۴۱
ادبیات ارمنی.....	۲۸
ادبیات ایران.....	۳۵
ادبیات جهان.....	۳۲
تبلیغات.....	۳-۸
سینما.....	۵۰



در مسیر تحقق عدالت، وکالت نه
شغل، بلکه رسالت است.

طراح وبسایت: داوود محمد کیا
@Esher. Official

دسته بندی موضوعی: ادبیات
دوره انتشار: دو هفته نامه
مدیر مسئول: آنیتا- آرزو مانیان
شماره: شصت



پست الکترونیکی:

www.ani.arzoomanian@yahoo.com

تلگرام:

t.me/aniletters

اینستاگرام:

[@Anita_Arzoomanian](https://www.instagram.com/Anita_Arzoomanian)

وب سایت:

www.aniletters.com

www.anipoetry.ir

ادوین آرزومانیان

خرید، فروش و تعمیرات تخصصی لپ
تاپ و قطعات.
شماره تماس:

۰۹۱۰۱۴۴۹۹۶۶

قلم زنی و نقره سازی ادوارد

ساخت انواع منسوجات نقره جهت سفارش با
شماره تلفن های زیر تماس حاصل فرمایید.

۶۶۷۱۰۰۳۹

۰۹۱۹۵۰۸۸۵۳۶

دکتر بهزاد هوشمند

متخصص و جراح بیماری های لته و ایمپلنت

۲۲۰۱۹۳۶۶

۲۲۰۱۹۰۷۳

آلبرت آرستاکس یانس

قلم زنی دستی سبک تبریزی روی فلزات
گرانها، ساخت و تعمیر انواع ظروف و زیور
آلات.

جهت سفارش با شماره تلفن زیر تماس حاصل
فرمایید.

۰۹۱۹۰۲۶۶۵۵۲

VinA

تدایر پمپ وینا

راشل اوتالیان (رئیس فروش)

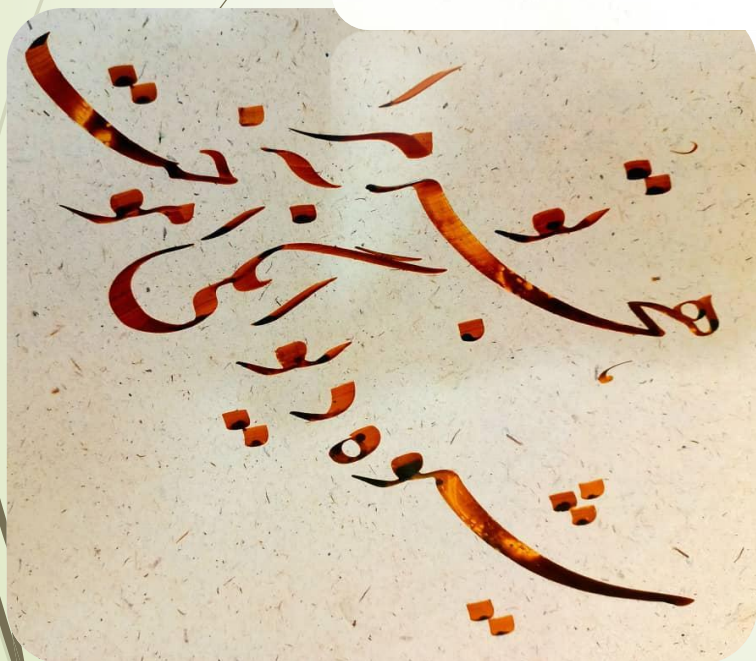
تهران خیابان شریعتی - بالاتر از پل
سیدخندان، خیابان مجتبایی، ابتدای خیابان
دیانا، پلاک ۱- واحد ۲

۰۹۱۲۴۹۸۲۱۱۴

۲۲۸۹۲۳۳۵

مدرس انجمن خوشنویسان ایران

سرمد در انجمن ما را بخوان



خطاط: علی ملک



Ali.malek.art

Լեգո Սամ

Լուսինյանի դասընթացներ
 10-18 տարեկան երեխաների համար

6-րդ տարեկանի հաշվարկները
 ավելի հեշտ և արագ կատարելու
 հարմարություն

6-րդ տրմ:
 Զրկ մեղմադ
 Զրկ քիթրե
 Լեղիմ
 Դառն յըր, Մեղնադ
 Դառն 3, Լեղրիմ և Դեղիմ
 Դեղիմ Զրկ և Լեղիմ

Աղմադ Րեղե:
 Տաղը Դըրն Մեղմադ քիթը Րիադի
 Աղրադի Դղը և Դըրը
 Դեղ մառնիմ Դըր Աղղը Դ Րաղ Դըղ Դըղ Մեղնադ Մեղնադ

Լեգո Սամ

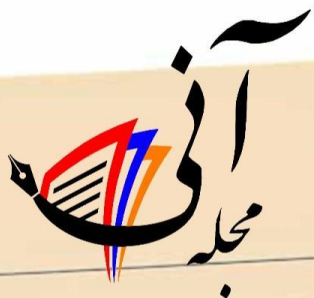
Լուսինյանի դասընթացներ
 4-12 տարեկան երեխաների համար

**Լուկոմադ—ի
 դասընթացներ**

Մաթեմաթիկադի հաղըարկները
 աղելի հիմոս և արագ կատարելու
 նադատակող

Մեղմադ:
 Քիթը Դըրն Մեղմադ Րիադի
 Լեղիմ Տըրը Մեղնադ Աղի Մեղմադ
 Աղրադի և Աղղի Մեղ

Մեղմադ:
 Դըրն և Դըրը քիթը Քիթը
 Դըրն և Դըրը քիթը Դըրն
 Դըրն և Դըրը քիթը Դըրն
 Դըրն և Դըրը քիթը Դըրն



راه های ارتباطی با مجله ادبی_ آنی
برای ارسال آثار خود.

واتساپ و تلگرام ۰۹۲۲۳۷۸۹۱۸۰

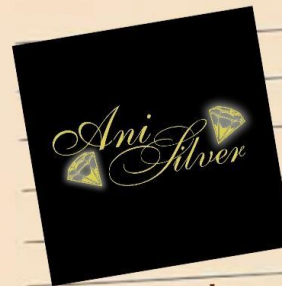
[@anita_arzoomanian](https://www.instagram.com/anita_arzoomanian)

دایرکت

[@aniarzoumanian](https://www.instagram.com/aniarzoumanian)

آنیتا آرزومانیان

Follow



آنسی
سیلور

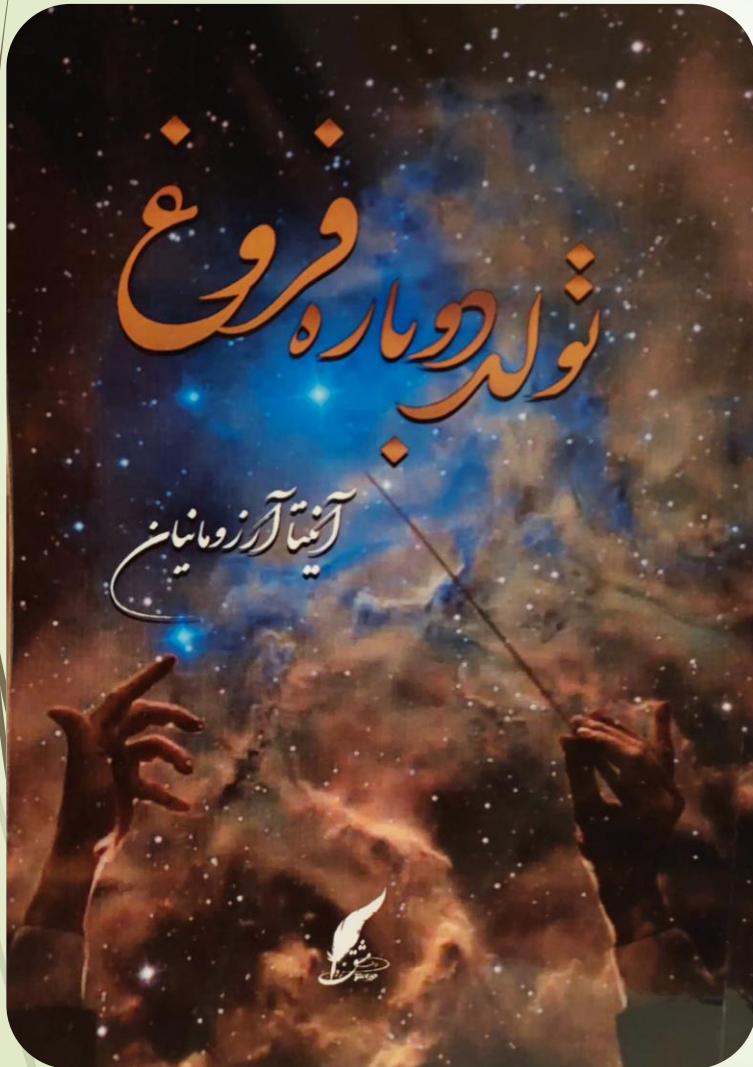
برای سفارش با شماره تلفن زیر

تماس حاصل فرمایید.

۰۹۱۹۵۰۸۸۵۳۶

ویا به دایرکت پیام دهید

[@ann.isilver](https://www.instagram.com/ann.isilver)



با سلام و عرض ادب خدمت شما دوستان و همراهان مجله آنی

به زودی از کانال یوتوب-تلگرام اینستاگرام مطالب ارزشمندی در حوزه های مختلف به صورت صوتی و تصویری در اختیار شما عزیزان قرار خواهد گرفت.

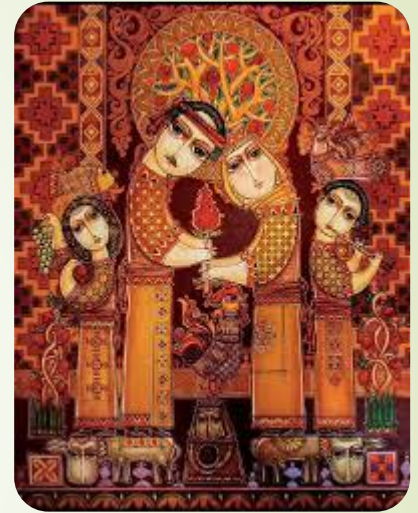
پادکست "آنی" سفری ست به دل لحظه ها؛ روایت هایی کوتاه اما عمیق از زندگی، انسان، تجربه و معنا. در هر قسمت، در مدت زمانی کوتاه به موضوعاتی آشنا می پردازیم؛ گاهی از جنس فلسفه، گاهی از جنس احساس، و گاهی تلفیقی از هر دو. "آنی" جایی ست برای آن هایی که در میان شلوغی های روزمره به دنبال یک مکث، یک تلنگر، یا یک بینش نو هستند.



Ընդհանուր բնութագիր

Հին հայ պոեզիան անցել է բազմադարյան էվոլյուցիա: Գրավոր և բանավոր բանահյուսությունն արտացոլում են հին հայկական գրականության զարգացման միասնական ընթացքը: Թեև դրանք զարգանում էին տարբեր ձևերով, այնուամենայնիվ, դրանք փոխկապակցված էին: Աշխարհիկ բանավոր պոեզիան, օրինակ, թափանցել է գրավոր գրականության տարբեր ժանրեր: Ըստ գրականագետ Մանուկ Աբեղյանի՝ հայ հին գրականության մեջ չկար բաժանում գեղարվեստական և ոչ գեղարվեստական ժանրերի. «բանաստեղծականն ու ոչ բանաստեղծականը կազմում էին չտարբերակված ամբողջություն»: Վաղ շրջանի հոգևոր քնարերգության մեջ նկատելի է Սուրբ Գրքի, դավանաբանության և էկզեգետիկայի ազդեցությունը:

Նախաքրիստոնեական հայկական պոեզիան վատ է պահպանվել: Խմբագրված ձևով այն վկայակոչել են պատմաբանները որպես պատմական աղբյուրներ:



یادداشت های دکتر احمد نوری زاده گزیده ای از مجموعه «ماندگاران خاطره های من» تهیه و تدوین : ایساک یونانسیان

پیرمرد دماغ گنده را در محاصره کتاب های روی میزش رها می کنم تا به میل جان بی. ناس با زردشت و امشاسپندان و فره وهرها، گات ها و یشت ها را مرور کند و در سحرگاه بهار، از بوفه پانسیون با گام های شش هفت سالگی ام به طرف سالن غذاخوری می روم.

مردی را می بینم که عینک بر چشم و عصا به دست به طرف سالن گام برمی دارد. موهایش تازه جوگندمی شده و خیلی جدی و کم حرف و گزیده گوشت. گاهی، بعد از خوردن غذا، سیگاری می گیراند و عصازنان از حیاط پانسیون به کوچه می زند و می رود تا دایی جان ناپلئون را از توطئه انگلیس ها آگاه سازد و اسدالله خان را به وصال زن شیر علی قصاب برساند و با شمردن انگشت های دست به مش قاسم بگوید که «بابام جان دروغ چرا آ. آ. آ. آ. تا قبر چهار انگشت بیشتر فاصله نیست و تازه اژدها را هم توی راسته غیث آباد دیده بود ...». مردی که در کوچه های کودکی من عصازنان گام برمی دارد جز ایرج پزشکزاد کس دیگری نیست. هیچ وقت، در فصل تابستان او را در پانسیون ندیدم. تعطیلات نوروز با خانواده اش به پانسیون می آمد. گارسون ها می گفتند که نویسنده است و آدم خیلی مهمی است! گویا، کارمند وزارت امور خارجه و سفیر بود. بعدها، که دایی جان ناپلئون را خواندم و باز آفرینی سینمایی اش را دیدم، یاد مردی عصا به دست با موهای جوگندمی و عینک شیشه سفید ذره بینی با فریم سیاه افتادم که سر میز غذا در کنار خانواده اش خاموش می نشست و آرام به سیگار پک می زد. یعنی، این مرد در تمام آن لحظه های خاموشی اش درگیر غوغای ذهنی بود که می خواست نظم نامطلوب اطرافش را با سلاح طنز منفجر کند و از نوبسازد؟

اکنون، بعد از چهار پنج دهه، آن مرد را با آن موهای جوگندمی و عینک و عصا در سالن غذاخوری پانسیون متروپل و کوچه های کردمحلّه غازیان مجسم می کنم و به خود می گویم «پسر در شش هفت سالگی کنار چه غول های بزرگ فرهنگی دم زده ای». یادش به خیر...
 اکبر مشکین، هنرمند بزرگ رادیو و تئاتر، نصرت رحمانی، اسماعیل شاهرودی، آرمان، بهروز وثوقی، ویگن و دیگران چهره هایی هستند که در نوجوانی و جوانی من ظهور کرده اند. اگر ضرورتی داشته باشد که گاه شمار سال ها و خاطره ها را رعایت کنم، در اینجا باید خاطره ساخته شدن فیلم عروس دریا و مسائل پشت پرده آن و ماجرای مربوط به ویگن و آرمان و بهروز وثوقی را ترسیم کنم. فکر می کنم سیزده چهارده ساله بودم که یک روز در کردمحلّه خبری مثل فشفشه پیچید که قرار است آرمان توی بندر انزلی فیلمی بسازد که ویگن و فروزان و بهروز وثوقی و سپهرنیا در آن نقش آفرینی خواهند کرد که خاطره های مربوط به آن را در دنباله این نوشتار قلمی خواهم کرد اما در اینجا گریزی می زنم به خاطره اکبر مشکین، هنرمند نامدار رادیو تلویزیون و تئاتر، که تاریخ هنر این سرزمین هرگز او را فراموش نخواهد کرد.

در قهوه خانه مادام آراکس، که توی میدان انزلی قرار داشت، کسان زیادی قهوه خورده اند و با خاطره های این پیرزن نازنین ارمنی، که با شوهر و برادرش از روسیه به ایران مهاجرت کرده و در انزلی ماندگار شده بود، آشنا شده اند. گویا، برادرش دستگاه لیمونادسازی را با خودش به ایران آورده بود و مادام آراکس با افتخار از این موضوع یاد می کرد. یادم است یک وسیله شیشه ای لیموناد همزنی، که عبارت از چند لوله به هم چسبیده شیشه ای بود، همیشه روی میزش قرار داشت که در اثنای حرف هایش با انگشت سفید و لاغر چروکیده سبابه آن را به شنونده نشان می داد و می گفت: «قربونش برم، برادرم در روسیه پیش از انقلاب کارخانه لیموناد سازی داشت».



آن‌ها خود را افرادی "بسیار خاص" می‌بینند که مستحق تحسین هستند و در نتیجه در همدلی با احساسات و نیازهای دیگران مشکل دارند... نه تنها دیکتاتورها معمولا "الگوی فراگیر بزرگ‌منشی" را نشان می‌دهند، بلکه تمایل به رفتار کینه توزانه دارند. اغلب در اختلال شخصیت نارسایسیستیک مشاهده می‌شود.

آدولف هیتلر، مائو تسه تونگ (یا تسه تونگ)، جوزف استالین، پل پوت - نام‌هایی از این دست تصورات فرهنگی ما را آزار می‌دهند. این مردان، طبق همه گزارش‌های موجود، دیکتاتورهای تمامیت‌خواه بودند، که به دنبال حفظ کنترل کامل بر دولت‌ها و جمعیت‌های مربوطه از طریق روش‌های رادیکال، از جمله قتل و زندانی کردن سیستماتیک همه کسانی بودند که در مقابل آن‌ها ایستادند. در برخی موارد، وحشت به آن‌ها کمک کرد تا سال‌ها قدرت را حفظ کنند و نام آن‌ها را برای همیشه در کتاب‌های تاریخ ما ثبت کنند. هر یک از نام‌های ذکر شده در بالا مسئول بیش از یک میلیون مرگ است و حتی آن دسته از شهروندانی که خوش شانس بودند که جان سالم به در برده بودند، در ترس مداوم از مرگ، کار اجباری یا شکنجه زندگی می‌کردند.

رهبران دیکتاتوری مانند این‌ها نشان‌دهنده پتانسیل شدید ظرفیت انسانی برای شر هستند، و با وجود این، علیرغم قادر مطلق ظاهری، آن‌ها در حوزه‌های فردی قدرت خود، این افراد از اضطراب شدید رنج می‌بردند - بیش‌تر در مورد ترس‌های پارانوئید از برخاستن شهروندان و/یا ترور مثلا:



صدام حسین سطحی از پارانویا را نشان داد که هر روز چندین وعده غذایی برای او در سرتاسر سرزمین عراق آماده می‌کرد تا مطمئن شود هیچ کس نمی‌داند کجا غذا می‌خورد. او حتی تا آن‌جا پیش رفت که از بدل تغییر یافته به وسیله جراحی استفاده کرد.

کیم جونگ ایل، رهبر سابق کره شمالی و پدر رهبر کنونی کیم جونگ اون، در حین پرواز چنان ترسی از ترور نشان داد که منحصراً از طریق یک قطار زره پوش سفر می‌کرد، از جمله زمانی که تا مسکو می‌رفت.

تان شو، دیکتاتور برمه، آن‌قدر نگران ماهیت ضعیف حکومت خود بود که زمانی پایتخت برمه را به مکانی دورافتاده در جنگل بدون آب لوله کشی یا برق منتقل کرد. یک تاکتیک افراطی که با توصیه ستاره شناس شخصی او ترغیب شد.

قدرت و ترس

در هر یک از این نمونه‌های دیکتاتوری، مردانی که به دنبال حکومت با مشت آهنین بودند، به نظر می‌رسیدند که رفتاری را نیز از خود نشان می‌دادند که ناشی از ترسی پنهان، افراطی و گاه غیرمنطقی از سرنوشتی بود که ممکن است برایشان رقم بخورد.

به نظر نمی‌رسد این رفتار با آنچه که ما از دیکتاتورها می‌شناسیم هماهنگ نباشد. چنین افرادی نه تنها از قدرت جهان واقعی و گسترده برخوردارند، بلکه تعداد زیادی از این افراد محیط فرهنگی و سیاسی که به توهمات بزرگ در مورد اهمیت‌شان پردازد را ایجاد می‌کنند.

به عنوان مثال، صدام حسین خود را ناجی مردم عراق می‌دانست. معمر قذافی زمانی تاج خود را به عنوان "پادشاه پادشاهان" آفریقا بر سر گذاشته بود، و نسل جانشین کیم کره شمالی خود را تقریباً همچون خدا می‌دانستند. چرا افرادی که این قدر به قدرت خود اطمینان دارند چنین اضطراب شدیدی دارند؟

یک توضیح این است که بسیاری از این افراد در واقع در معرض تهدید مداوم ترور قرار داشتند. به عنوان مثال، یک محافظ سابق فیدل کاسترو بیان کرد که او از ۶۳۸ سو قصد جداگانه به جان رهبر مطلع بوده که برخی از آنها توسط نیروی جاسوسی امریکا (سی آی ای) شکل گرفته بود. مائو زدونگ از یک ترور که توسط افسران عالی رتبه در ارتش خود ترسیم شد جان سالم به در برد، و داماد خود صدام حسین یک بار سعی در کشتن پسر بزرگ خود داشت. با چنین تهدیدهای واقعی و حاضری، حتی از سوی متحدین قابل اعتماد، ممکن است مقداری احساس پارانویا ضروری باشد.

با توجه به ترس افراطی بسیاری از دیکتاتورها، توضیحات بیش‌تر لازم است. بررسی بیش‌تر در مورد الگوهای رفتاری آنها ممکن است ریشه در شخصیت‌های فردی آنها داشته باشد. به زبان عامیانه، مردم غالباً از "شخصیت" به عنوان مترادف فردی که جالب توجه به نظر می‌رسد در نگاه تماشاگران استفاده می‌کنند، چه از درون و چه از بیرون حوزه نفوذ مربوطه باشد. به عنوان مثال، ممکن است بگوییم که یک کم‌دین پر سر و صدا "شخصیت‌های متفاوتی" دارد، در حالی که ممکن است شخصی را که ما کسل‌کننده و ساکت در نظر می‌گیریم به عنوان "فاقد شخصیت" توصیف کنیم. با این حال، در ادبیات روان‌شناختی، شخصیت به عنوان "الگوهای با دوام تفکر و رفتار تعریف می‌شود که فرد را از دیگری متمایز می‌کند." به عبارت دیگر، شخصیت شما همان چیزی است که شما را از اطرافیان متمایز می‌کند. در مطالعه شخصیت، روان‌شناسان می‌توانند صفات مشترک را در بین افراد بررسی کنند و توجه داشته باشند که چگونه این ارتباط صفات ممکن است برای پیش‌بینی رفتار به کار رود. با انجام این کار، محققان می‌توانند درک بهتری از این که چرا مردم در طی سال‌های متمادی به این شکل رفتار می‌کنند، ایجاد کنند.

نارسی سیزم یک ویژگی ثابت است

16

در خصوص دیکتاتورها، یک ویژگی خاص که به طور ثابت و مرتبط برجسته است، نارسی سیزم است. افراد نارسی سیستیک «احساس بسیار اغراق آمیزی از اهمیت خود» دارند و «خود را اشتغالی به دستاوردها و توانایی های خود دارند.» آنها خود را افرادی «بسیار خاص» می بینند که مستحق تحسین هستند و در نتیجه در همدلی با احساسات و نیازهای دیگران مشکل دارند.

وقتی نارسی سیزم شدید می شود تا جایی که:

در زندگی روزمره اختلال ایجاد می کند
به نظر می رسد در مقایسه با دیگران در یک جامعه غیر معمول است، یا
در چندین بخش از زندگی یک فرد نفوذ می کند...

... فردی ممکن است مبتلا به اختلال شخصیت نارسی سیستیک تشخیص داده شود با موارد زیر تعریف می شود:

“ الگوی فراگیر خود بزرگ بینی”
«نیاز به تحسین» و
“ فقدان همدلی.”



این افراد «مشغول خیالات موفقیت بی حد و حصر» و «قدرت» هستند. آن‌ها بر این باورند که منحصر به فرد هستند و فقط می‌توانند با دیگرانی که به همان اندازه وضعیت بالایی دارند ارتباط داشته باشند. علاوه بر این، آن‌ها برای شاد ماندن نیاز به تحسین بیش از حد دارند، احساس حق طلبی شدید دارند، از دیگران استنثار می‌کنند و اغلب به دیگران حسادت می‌کنند.

کین توزی رایج است

به نظر می‌رسد شرح اختلال شخصیت نرسی سیستمیک یادآور آن چیزی است که ما از دیکتاتورها می‌شناسیم. نه تنها دیکتاتورها معمولاً «الگوی فراگیر بزرگ بینی» را نشان می‌دهند، بلکه تمایل دارند با کینه توزی رفتار کنند که اغلب در اختلال شخصیت نرسی سیستمیک مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، در آزمایش‌های روان‌شناختی که اکنون معروف‌اند، محققان دریافتند که افراد نرسی سیستمیک وخیم به احتمال زیاد تلاش می‌کنند افرادی که کارشان را منفی ارزیابی می‌کنند تنبیه کنند، حتی مواقعی که فرد نرسی سیستمیک معتقد است که شوک‌های الکتریکی دردناکی را اعمال می‌کنند. پژوهش‌های جدیدتر نشان می‌دهد که پس از ارزیابی منفی، افراد نرسی سیستمیک حتی نسبت به افرادی که با بازخوردها ارتباطی ندارند، پرخاشگری بیش‌تری نشان می‌دهند. چنین آزمایش‌هایی می‌تواند به ما در درک رفتار تهاجمی دیکتاتورها کمک کند، کسانی که به انتقاد از ارزیابی‌های منفی معروف هستند. با کمال تعجب، نرسی سیزم می‌تواند کمک کند رفتار اضطرابی دیکتاتورها را توصیف کنیم. پژوهش‌گران دو شکل نرسی سیزم را شناسایی کرده‌اند: نرسی سیزم بزرگ منشی و نرسی سیزم آسیب‌پذیر. اگرچه نرسی سیزم بزرگ منشی با تمام آن چیزی که ممکن است از یک نرسی سیزم انتظار داشته باشید مرتبط است (مانند بزرگ منشی و پرخاش‌گری)، نرسی سیزم آسیب‌پذیر با «بزرگ منشی نایمن» همراه است که به نظر می‌رسد حالت دفاعی شدید و احساس بی‌کفایتی ایجاد می‌کند. چنین افرادی اغلب به عنوان افرادی «نگران، هیجانی، دفاعی، مضطرب، تلخ، پرتنش و شاکی» توصیف می‌شوند.

این مولفه‌ها می‌توانند آن‌قدر شدید باشند که اختلال شخصیت نارسی‌سیستیک را می‌توان به اشتباه به عنوان اختلال شخصیت مرزی که با سطوح بالایی از اضطراب همراه است، تشخیص داد. شدت تجارب هیجانی ناشی از نارسی‌سیزم در ادغام با خطرات واقعی می‌تواند سطوح قابل توجهی از اضطراب، نگرانی و عدم اطمینان ایجاد کند - تا جایی که ممکن است بر اساس توصیه ستاره شناس واقعا فکر کند کل پایتخت شان را به وسط جنگل منتقل کند.

پیش بینی دیکتاتورهای آینده

با توجه به اینکه اکثریت دیکتاتورها به شدت نارسی‌سیستیک به نظر می‌رسند، آیا می‌توانیم از این واقعیت برای پیش بینی افرادی که احتمالاً دیکتاتور می‌شوند استفاده کنیم؟ یعنی اگر ما افراد برجسته در یک کشور بی ثبات را بشناسیم، آیا می‌توانیم پیش بینی کنیم که کدام یک از این افراد احتمالاً به زور به قدرت رسیده و سعی در متوقف کردن بقیه دارد؟ پاسخ به این سوال دشوار است. اول اینکه همه دیکتاتورها به شیوه ای مشابه یا تحت شرایط مشابه به قدرت نمی‌رسند. برای مثال، هیتلر پس از یک کارزار تبلیغاتی شدید و ارباب و خشونت فراوان از سوی حزب نازی به قدرت رسید. مائو تسه تونگ پس از خدمت به عنوان یک رهبر نظامی موفق در طول یک جنگ داخلی طولانی، دیکتاتور شد. صدام حسین سال‌ها راه خود را از طریق سیستم سیاسی عراق طی کرد تا اینکه توانست راه خود را به به بازوی قدرت پیدا کند. سرانجام، کیم جونگ اون، که بر اساس گزارش‌های موجود، در دوران کودکی بسیار ممتاز و «غربی» بزرگ شده بود نیز ویژگی‌های یک دیکتاتور را به نمایش گذاشت. علاوه بر این، محققان در مورد اینکه چرا اختلال شخصیت نارسی‌سیستیک و رفتارهای نارسی‌سیستیک‌ظاهر می‌شوند، مطمئن نیستند. می‌دانیم که اکثر افراد مبتلا به این اختلال مرد هستند، و محققان حدس می‌زنند که برخی از عوامل ژنتیکی و شیوه‌های فرزندپروری ممکن است احتمال ابتلا به این اختلال را افزایش دهد. با این حال، برای درک اینکه آیا این عوامل باعث اختلال شخصیت نارسی‌سیستیک می‌شوند، تحقیقات بیش‌تری لازم است.

در مجموع، این عوامل پیش بینی اینکه کدام رهبران تمایلات دیکتاتوری را شکل خواهند داد، فوق العاده دشوار می‌کند. ما به سادگی سهم تأثیرات فرهنگی، محیطی یا سیاسی را که ظهور یک دیکتاتور را تسهیل می‌کند، کاملاً درک نمی‌کنیم. با این حال، این بدان معنا نیست که تحقیق در مورد این موضوعات یک تلاش بی‌ثمر است. با درک بهتر زمینه‌های سیاسی-اجتماعی که به دیکتاتورها اجازه می‌دهد به قدرت دست یابند و آن را حفظ کنند و بررسی بیش‌تر نقش شخصیت، ممکن است روزی بتوانیم پیش از ظهور اقدامات غالباً وحشتناک، رهبری دیکتاتوری را به طور فعال شناسایی و تضعیف کنیم. با انجام این کار، پتانسیل نجات جان‌های بی‌شماری و توقف موج سال‌ها ستم در بسیاری از کشورها وجود خواهد داشت.



اردلان سرفراز



اردلان سرفراز در سال ۱۳۲۹ در شهری کویری به نام داراب واقع در استان فارس دیده به جهان گشود. او فرزند ارشد خانواده بود و مادرش نیز در شعر دستی داشت. شروع زندگی شاعرانه اردلان در سال اول دبیرستان در مدرسه امیر کبیر و با تشویق معلمی به نام دانشمند بود. او به پیشنهاد پسرعموی مادرش (حسین سرفراز، شاعر و روزنامه نگار معروف آن زمان) برای گذران زندگی با رادیو ایران و ارکستر جوانان کار خود را به عنوان ترانه سرا آغاز کرد. پس از یک سال به دلایلی رادیو ایران را ترک کرد. اما سرفراز ترانه سرودن را به شکل حرفه‌ای آغاز کرد و با ترانه شب هم او هم ابی خواننده ترانه به شهرت رسیدند.

این تاریخ، زمان و عوامل اجتماعی هستند که سازنده مردان بزرگ اند.

Николай Некрасов известен современным читателям как «самый крестьянский» поэт России: именно он одним из первых заговорил о трагедии крепостничества и исследовал духовный мир русского крестьянства. Также Николай Некрасов был успешным публицистом и издателем: его «Современник» стал легендарным журналом своего времени.

**«Всё, что, жизнь мою опутав с детских лет,
проклятьем на меня легло неотразимым...»**



Alda Merini

Alda Merini (21 March 1931 – 1 November 2009) was an Italian writer and poet. Her work earned the attention and admiration of other Italian writers, such as Giorgio Manganelli, Salvatore Quasimodo, and Pier Paolo Pasolini.

Merini's writing style has been described as intense, passionate and mystic, and it is influenced by Rainer Maria Rilke. Some of her most dramatic poems concern her time in a mental health institution (from 1964 to 1970). Her 1986 poem *The Other Truth. Diary of a Misfit* (*L'altra verità. Diario di una diversa*) is considered one of her masterpieces.



John Abbot (poet)

Abbot's birthplace is uncertain, but may have been London or Leicester. He is believed to be the nephew both of George Abbot, the Archbishop of Canterbury and Robert Abbot, the bishop of Salisbury. He was thus from a strongly Protestant family. After being educated at Balliol College, Oxford, he travelled to the continent where he converted to Roman Catholicism. On returning to England he was in Jesuit orders for a while, before working as a secular priest. In 1635 he was imprisoned in the Gatehouse at the Palace of Westminster. He was released within a year, but in 1637 he was again arrested, and seems to have spent the rest of his life in prison. He was, along with other Catholic priests, condemned to death in 1641, but the conviction was never executed, and he appears to have died in prison in 1650.



Արսեն Զաքարյան

Արսեն Զաքարյանը ծնվել է 1941 թվականի սեպտեմբերի 6-ին, Հոկտեմբերյանի շրջանի Սովետական գյուղում (այժմ՝ ՀՀ Արմավիրի մարզ, գյուղ Ալաշկերտ): Ավարտել է Երևանի Խ. Աբովյանի անվան պետական մանկավարժական ինստիտուտի պատմության (հեռակա) և Երևանի ժողովրդական տնտեսության ինստիտուտի ժողտնտեսության պլանավորման ֆակուլտետները:

Աշխատել է մանկավարժության, կոմերիտմիության ոլորտներում, Արմավիրի քաղաքապետարանում, զբաղվել է դասախոսական աշխատանքով: Ստեղծել և ղեկավարում է «Գրական Արմավիր» ստեղծագործական հասարակական կազմակերպությունը: Խմբագրել և հրատարակել է Արմավիրի մարզի և ԼՂՀ Շուշիի տարածաշրջանի ստեղծագործողների 4 ժողովածուներ:

عوامل ساختاری نسل کشی: زمینه‌های پیدایش یک فاجعه انسانی

25

نسل کشی (**Genocide**) به‌عنوان نابودی عمدی و سیستماتیک یک گروه قومی، نژادی، مذهبی یا ملی، از بزرگ‌ترین جنایات بشری شناخته می‌شود. این پدیده برخلاف برداشتهای سطحی، نه از دل نفرت آنی بلکه از درون ساختارهای فرسوده یا افراطی سر برمی‌آورد. درک دقیق عوامل ساختاری، به فهم بهتر چرایی و چگونگی وقوع نسل کشی کمک می‌کند و می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری ایفا کند.

۱. حکومت‌های اقتدارگرا و تمامیت‌خواه

یکی از مهم‌ترین بسترهای وقوع نسل کشی، وجود رژیم‌های اقتدارگراست؛ حکومت‌هایی که تمرکز شدید قدرت، نبود شفافیت، سرکوب مخالفان و انحصار رسانه‌ای را در دستور کار خود دارند. در چنین نظام‌هایی، مشروعیت بر اساس قدرت مطلق بنا می‌شود و حذف فیزیکی «دشمنان» بخشی از راهبرد حکمرانی تلقی می‌شود. حکومت نازی آلمان و رژیم خمرهای سرخ در کامبوج نمونه‌های شاخص این الگو هستند.



آنی؛ لحظه‌هایی که ماندگار می‌شوند

۲. ایدئولوژی افراطی و «دیگری سازی»

نسل کشی اغلب از دل ایدئولوژی‌هایی برمی‌خیزد که جهان را به دو دسته تقسیم می‌کنند: ما و آن‌ها. «ما» گروه پاک، برتر و حق‌طلب هستیم، و «آن‌ها» ناپاک، خطرناک و دشمن بقای ما. این نوع ایدئولوژی‌ها با بهره‌گیری از رسانه و تبلیغات گسترده، تصویری اهریمنی از اقلیت‌ها می‌سازند و نابودی‌شان را نه تنها موجه، بلکه لازم جلوه می‌دهند.

۳. بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

در شرایط بحران شدید - مثل فروپاشی اقتصادی، شکست نظامی، یا نارضایتی گسترده - جوامع مستعد خشونت می‌شوند. در چنین فضاهایی، دولت یا گروه‌های افراطی به دنبال «قربانی جایگزین» می‌گردند تا نارضایتی عمومی را به سوی یک گروه خاص منحرف کنند. یهودیان در آلمان پس از جنگ جهانی اول یا توتسی‌ها در رواندای دهه ۹۰ میلادی نمونه‌هایی از همین سازوکار هستند.

۴. شکاف‌های اجتماعی و تاریخی عمیق

وقتی جوامع دارای تاریخ طولانی تبعیض، بی‌عدالتی و تنش‌های قومی یا مذهبی باشند، پتانسیل تبدیل شدن به بستر نسل‌کشی را دارند. این شکاف‌ها اگر در طول زمان ترمیم نشوند، می‌توانند با تحریکات سیاسی یا رسانه‌ای، به دشمنی فعال تبدیل شوند. وجود پیش‌زمینه‌های فرهنگی خشونت‌پذیر، مثل ادبیات نفرت‌پراکن، کار را آسان‌تر می‌کند.

۵. نهادهای ناکارآمد یا غایب در دفاع از حقوق بشر

نبود نهادهای قضایی مستقل، رسانه‌های آزاد، و جامعه مدنی فعال باعث می‌شود که اقدامات اولیه خشونت‌آمیز مهار نشوند و به تدریج شدت یابند. همچنین، غیبت نهادهای بین‌المللی مؤثر در واکنش سریع به علائم اولیه نسل‌کشی، به تداوم و گسترش آن دامن می‌زند.

نسل‌کشی حاصل تصادف یا جنون آنی نیست؛ بلکه محصول انباشت و تلاقی عوامل ساختاری در دل یک جامعه است. ترکیب حکومت اقتدارگرا، ایدئولوژی افراطی، بحران سیاسی-اقتصادی، شکاف‌های تاریخی و غیبت نهادهای بازدارنده، فضایی را شکل می‌دهد که در آن نسل‌کشی ممکن و حتی محتمل می‌شود. پیشگیری از نسل‌کشی نیازمند شناخت دقیق این ساختارها و تقویت عوامل بازدارنده در برابر آنهاست.



دو سال پس از آن، یعنی در سال ۶۴۲ م بار دیگر به ارمنستان حمله ور شدند و پس از درگیری های بسیار با نیروهای مردمی، باز با غنایم فراوان و اسرای پر عده، بازگشتند. بار سوم در سال ۶۵۰ م پس از یک حمله بزرگ با غنایم فراوان و اسرای زیادی ارمنستان را ترک کردند. بدین گونه ارمنستان از نیمه های قرن هفتم میلادی به عرصه تاخت و تاز اعراب بدل گشت. بعدها، در زمان خلافت معاویه، ارمنستان با شرایط حفظ استقلال داخلی، تحت انقیاد اعراب درآمد. در سال های ۶۶۱-۶۵۲ کشور چندین بار به عرصه تاخت و تاز قوای امپراتوری بیزانس و اعراب مبدل شد. در سال ۶۹۸. محمد ابن مروان تمام ارمنستان را طعمه تیغ و آتش کرد و سپس امیر عرب ارمنستان یعنی عبدالسلام (عبدالسلان؟) نامی شروع به از میان برداشتن ناخارارهای ارمنی کرد و سال ها بعد از آن، امیر دیگر عرب، محمد بن اکبان در سال ۷۰۳ م شورش ارامنه را که به سرکردگی سمبات باگراتونی آغاز شده بود در خون خفه کرد. به این ترتیب در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم میلادی خلفای عرب بر ارمنستان تسلط یافتند و این سلطه بیش از یک و نیم قرن ادامه پیدا کرد. بدستور خلیفه، گرجستان شرق و آقوانک نیز به ارمنستان ضمیمه شدند و نام امیر نشین ارمنیه بر آن نهاده شد. ابتدا مرکز امیر نشین ارمنیه دوین بود، سپس به پارتو انتقال یافت. امیران حاکم ارمنیه از میان عرب ها و یا اشراف ایرانی برگزیده میشدند و کشور را به نام خلیفه و از سوی خلیفه اداره می کردند.

مشارکت حکومت پنهان جهانی، در یک توطئه کاملاً آشکار علیه خداوند و بشریت که انقیاد و آزار و قتل عام اکثر مردمان باقیمانده بر روی کره زمین، از زمان جنگ را هدف قرار داده، بر کسی پوشیده نیست. در جامعهء اطلاعاتی مرسوم است که برای پنهان نگاه داشتن یک موضوع محرمانه آن را در معرض دید باز قرار می دهند.



رونمایی کتاب اقدام شرم آور در حضور
دکتر تانر آکچام، نویسنده کتاب

دکتر تانر آکچام، نامی آشنا برای ارمنیان جهان است، تاریخ‌دان و جامعه‌شناس ترک‌تباری که با شجاعت کشتار ارمنیان را در ۱۹۱۵م، به دست دولت ترکیه عثمانی، نژادکشی نامید و خواستار احقاق حق ارمنیان از سوی دولت ترکیه شد. آکچام نژادکشی ارمنیان را مسئله‌ای خاص ارمنیان و ترک‌ها نمی‌داند بلکه اعتقاد دارد که این یک مسئله جهانی است زیرا همان‌گونه که تجربه‌های بعدی نشان داد عواقب آن دامن‌گیر کل بشریت شد و تا زمانی هم که این نژادکشی از سوی جوامع بین‌المللی پذیرفته و محکوم نشود شاهد جنایاتی دیگر علیه بشریت خواهیم بود، جنایاتی مانند کشتار فلسطینیان در غزه.

دکتر تانر آکچام در ۱۹۵۳م، در روستای اولچک، از توابع آرداهان متولد شد. پدرش دورسون و مادرش پریهان نام داشت. آکچام در دانشگاه فنی خاورمیانه، آنکارا، در رشته اقتصاد تحصیل کرد و در ۱۹۷۶م از این دانشگاه فارغ التحصیل شد. در ۱۹۷۵م به دلیل تألیف مقالاتی در یکی از روزنامه‌های اصلاح طلب چپ‌گرا به جرم اشاعه کمونیسم و دفاع از کردهای شورشی به دادگاه احضار شد. آکچام را در مارس ۱۹۷۶م دستگیر و پس از محاکمه در ۱۹۷۷م به نه سال حبس محکوم کردند اما او در ۱۲ مارس همان سال از زندان گریخت و به آلمان رفت.





او سال‌ها به صورت پناهنده در آلمان زندگی کرد و از ۱۹۸۸م در مؤسسه تحقیقات اجتماعی هامبورگ وابسته به بخش جامعه‌شناسی، به منزله محقق شروع به فعالیت کرد. او در این سال‌ها همچنین به تحصیل در رشته جامعه‌شناسی پرداخت و در ۱۹۹۵م با درجه دکتری از دانشگاه هان‌اور هامبورگ فارغ‌التحصیل شد. عنوان پایان‌نامه وی ((جنبش ملی ترکیه و نژادکشی ارمنیان در دادگاه‌های نظامی استانبول طی ۱۹۱۹-۱۹۲۲م)) و موضوع اولیه تحقیق او ((تاریخ خشونت سیاسی و شکنجه در اواخر دوران عثمانی و سال‌های اولیه جمهوری ترکیه)) بود. آکچام از ۱۹۹۰م تحقیقات خود را بر روی ملی‌گرایی ترک و نژادکشی ارمنیان متمرکز ساخت و تا کنون یازده کتاب و چندین مقاله در این خصوص منتشر کرده است.

آکچام با نگارش کتاب مسئله ارمنی و هویت ملی ترک، در ۱۹۹۲م، اولین شخصیت دانشگاهی ترک تباری بود که درباره این موضوع ممنوعه در ترکیه مطلبی را به چاپ رساند. این کتاب شش بار تجدید چاپ و به زبان‌های ارمنی، روسی و عربی ترجمه شده است. سه سال پس از چاپ این کتاب، سخنرانی آکچام در گردهمایی بین‌المللی نژادکشی، در ایروان، با موضوع ((ملی‌گرایی ترک و نژادکشی ارمنیان))، اولین مورد شناسایی قتل عام ارمنیان از سوی نویسندگانی ترک در یک مجمع عمومی بود. آکچام با چاپ کتاب از امپراتوری تا جمهوری (۲۰۰۴م) عقاید خود را در مورد قتل عام ارمنیان به مخاطبان انگلیسی‌زبان منتقل ساخت.

کتاب اقدام شرم آور (۲۰۰۶م)، از مهم ترین آثار آکچام و موضوع پایان نامه دکترای وی است. این کتاب شهرتی جهانی برای آکچام به ارمغان آورد و تا امروز به زبان های یونانی، رومانیایی، آلمانی، اسپانیایی، فرانسه و اخیراً فارسی ترجمه و منتشر شده.

کتاب دیگر دکتر آکچام در این زمینه کتابی است با عنوان مسئله ارمنی حل شده است که در ۲۰۰۸م منتشر و تا کنون پنج بار تجدید چاپ شده است. او همچنین کتاب کشتارها و تبعیدها، پروتکل های دادگاه های نظامی استانبول (۲۰۰۹م) را با همکاری واهانگ دادریان، استاد دانشگاه و تاریخ دان ارمنی به رشته تحریر درآورد و آخرین کتاب وی نیز با نام نوشتارهایی درباره سال ۱۹۱۵ (۲۰۱۰م) مراحل چاپ دوم را سپری می کند.

در ۲۰۰۷م کانون و کلای ارمنیان جایزه آزادی هراند دینک را تحت عنوان قهرمان بیان واقعیت تاریخی در مورد نژادکشی ارمنیان و مدافع شجاع آزادی و آزادی بیان، به تانر آکچام اهدا کرد. آکچام همچنین به دلیل روابط بین فرهنگی و نژادی از سوی دانشگاه هاروارد و مجلس قانون گذاری ماساچوست مورد تقدیر قرار گرفت. همچنین در ۲۴ آوریل ۲۰۰۵م، در مراسم معرفی شهردار ماساچوست، که هم زمان با نودمین سالگرد نژادکشی ارمنیان بود، فعالیت های آکچام و دیگر دانشگاهیان ترک تبار همفکر او به منزله قدمی مهم به سوی حقیقت، عدالت و سازش مورد تقدیر قرار گرفت.

آکچام پیش از آغاز به تدریس در دانشگاه کلارک امریکا، در سمت استاد مهمان، در رشته تاریخ، در دانشگاه مینه سوتا و میشیگان، در مرکز تحقیقات ارمنی، تدریس می کرد. او هم اکنون استاد دانشگاه کلارک و نیز عضو هیئت تحریریه مجله مطالعات نژادکشی و جلوگیری از آن متعلق به انجمن بین المللی محققان نژادکشی است. برخی از مهم ترین کتاب های آکچام عبارت اند از:

ادامه دارد...

- شکنجه بس است؛ مارکسیسم و حقوق بشر (۱۹۹۱م).

آریستوفانس (حدود ۴۴۸ تا ۳۸۰ ق.م) بزرگترین کمدی نویس یونانی است. او در خانواده ای آبرومند، در حومه آتن به دنیا آمد. خیلی زود به نوشتن کمدی روی آورد، و نخستین اثرش در سال ۴۲۷ ق.م به نمایش درآمد. او احتمالاً بازیگر چند نمایشنامه خود بوده است.

ساختمان کمدی های آریستوفانس. ساختمان آریستوفانس بسیار متنوع است، و از هیچ الگوی خاصی پیروی نمی کند. قطع نظر از جزئیات، میتوان نمایشنامه های او را مشتمل بر دو بخش دانست: در بخش نخست، " اندیشه شاد " مطرح شود، و در بخش دوم، این اندیشه به اجرا در می آید. بخشهای اصلی نمایشنامه های آریستوفانس عبارت است از: (۱) پیش درآمد، که خبر از اندیشه معمولاً نامعقول و غیر عملی است؛ (۲) راه؛ نخستین آواز گروه همسرایان هنگام ورود به صحنه است؛ (۳) جدال، مباحثه ای است بین مدافع طرح شاد و مخالف آن؛ و پیروزی همواره با مدافع طرح است؛ (۴) تصنیف دسته جمعی، که گروه همسرایان در فواصل بین پرده ها نمایش رو به تماشاچیان می خواند و بیانگر نظریات نویسنده است. این تصنیف دسته جمعی معمولاً بین جدال و باقیمانده ی کمدی اجرا می شده است، اما گاهی هم آن را در پایان نمایش می خواندند؛ (۵) حادثات ضمنی، سلسله وقایعی است که در پی اصناف دسته جمعی می آید و اندیشه شاد را تصویر میکند.

رابرت کارل مک فارلین در ۱۲ ژوئیه ۱۹۳۷ در تگزاس به دنیا آمد. پدرش سناتور تگزاس بود و همین موضوع علاقه‌مندی او به سیاست را از دوران جوانی شکل داد. مک فارلین تحصیلات نظامی خود را در آکادمی نیروی دریایی ایالات متحده (**United States Naval Academy**) به پایان رساند و به‌عنوان افسر توپخانه در نیروی دریایی ایالات متحده خدمت کرد. پس از دو دهه خدمت و رسیدن به درجه سرهنگی، بازنشسته شد و به دنیای سیاست وارد گردید.



پس از بازنشستگی از ارتش، مک فارلین به‌عنوان مشاور در کنگره و سپس به‌عنوان دستیار امنیت ملی در دولت ریچارد نیکسون فعالیت کرد. در زمان دولت ریگان، ابتدا معاون مشاور امنیت ملی بود و پس از استعفای ویلیام کلارک، در سال ۱۹۸۳ به‌عنوان مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور ریگان منصوب شد.

در این سمت، مک‌فارلین نقش مهمی در سیاست‌های خارجی و امنیتی ایالات متحده در دوران جنگ سرد ایفا کرد، از جمله: تقویت روابط با متحدان اروپایی ناتو، دخالت‌های نظامی و سیاسی در آمریکای لاتین، به‌ویژه در نیکاراگوئه و السالوادور، سیاست‌های مربوط به خاورمیانه و نقش آمریکا در جنگ ایران و عراق

نقش برجسته او در ماجرای ایران-کنترا باعث شد که شهرتش آسیب ببیند. او در این ماجرا در سال ۱۹۸۵ استعفا داد و بعداً در سال ۱۹۸۸ به اتهام پنهان‌کاری و دروغ‌گویی به کنگره محکوم شد. در سال ۱۹۸۷ تلاش به خودکشی کرد، اما نجات یافت. با این حال، بعدها از سوی رئیس‌جمهور بوش پدر عفو کامل دریافت کرد.



پس از ترک سیاست، مک‌فارلین به‌عنوان مشاور در حوزه سیاست‌گذاری انرژی و امنیت بین‌المللی فعالیت داشت. او در چند مؤسسه سیاست‌پژوهی مشارکت می‌کرد و گاه در رسانه‌ها درباره امنیت ملی اظهارنظر می‌کرد.

رابرت مک‌فارلین در ۱۲ مه ۲۰۲۲ در سن ۸۴ سالگی درگذشت.

چنانچه قبلا اشاره شد در دوره سلجوقیان عرفان در ایران رواج یافت و خانقاه های متعددی ساخته شد. بعد از حمله مغول روحیه ی ایرانیان شکست خورده و احتیاج به سخنان آرام بخش و توجه به امور اخروی و دنیا را هیچ و پوچ انگاشتن و اعتقاد به قضا و قدر رو این که هر چه از دوست می رسد نکوست، باعث رواج بیشتر تصوف شد. اعتقاد شدید به قضا و قدر در آثار این دوره و نفوذ روز افزون تفکر اشعری بی سببی نیست.

از شاعران قرن ششم که در سخن آنان مطالب شرعی و عرفانی و به طور کلی اخلاقی و معنوی دده میشود سنایی و خاقانی و نظامی معروفند. شمس تبریزی در مقالات می گوید: "همین سنایی و نظامی و خاقانی و عطار بودند که ایشان را از آن گفت نصیبی بود." سنایی نخستین شاعر بزرگی است که عرفان را به طرز وسیعی وارد شعر کرد و کتاب مستقلی نیز در این باب موسوم به حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه پرداخت. چنان که قبلا از قول استاد فروزانفر توضیح دادم قبل از سنایی هم عرفان در متون ادبی دیده میشود ولی سنایی به آن تشخص سبکی داد.

باید توجه داشت که عرفان اولیه حتی در قرن ششم و آثار کسانی چون سنایی و خاقانی و نظامی چیزی است میان عرفان و شریعت و همان طور که خود ایشان گفته اند فی الوقوع شعر شرع است نه عرفان به کمال رسیده یی که بعد ها در آثار بزرگانی چون مولانا دیده میشود.

مهمترین دلیلی که روز ۲۵ آوریل (۵ یا ۶ اردیبهشت هر سال) به عنوان روز جهانی نوشت افزار نام گذاری شده است حفظ هنر نامه نوشتن و نوشتن بر روی کاغذ می باشد که حس خوبی را منتقل می کند و نامه نگاری از بین نمی رود.

قدمت نوشتن به حدود ۳۶۰۰ سال قبل از میلاد می رسد. در آن زمان نوشتن یک کار ضروری برای انتقال اطلاعات، ثبت حوادث و... بود که شروع به نوشتن از شرق شروع شد که از قلم هایی که سر آنها مثلثی شکل بود استفاده می شد.

با پیشرفت علم و فناوری، نوشتن به صورت دستی کمتر شده است و در این روز می خواهیم هنر نوشتن را زنده نگه داریم. روز جهانی لوازم التحریر در سال ۲۰۱۲ بنیان نهاده شد که یادآور این سیر تکامل در صنعت لوازم التحریر می باشد.



رسم گردونه چنین است که آباد کنیم
کم بگویم سخن و از عمل آغاز کنیم
در کارگه عشق و حیا لباس پرهیز بپوش
تا که از تخم وفا خرمن هفتاد کنیم

عباس ترابی

دارم برای بی کسی ام چاه می کنم

اینجا کسی برای کسی کس نمی شود

بداهه

محمد فلاحی نسب

تو مطب نشستهام دکتر فامیلی ام را تکرار می کند
می پرسد شغل می گویم برای دلم می نویسم، لبخند
می زند، زن جوانی است زیباست، نگاهم می کند پرسیدم
شغل گفتم گفتم که ، نگاهم کرد گفتم به تازگی رمانی
نوشته ام لبخندش کش می آید پرونده را روی میز
می گذارد می گوید چه خوب تا به خودم بیایم به تندی
سرچ می کند رو می کند به من و می گوید، نیلوفر
مرداب

می گویم بله باز لبخند می زند می گوید اسمتون رو
یادداشت کردم حتما کتابتون رو می خونم و بعد گفت
من خیلی کتاب می خونم مخصوصا رمان.

دست می دهیم با هم ،

بیمار بعدی صدای خانم منشی ست

چه خوب بود میون این همه شلوغی و دزد کسی پیدا
شد. گفت من زیاد کتاب می خونم مخصوصا رمان و چه
خوشحال می شوم یک پزشک میان تمام شلوغی ها و
حجم کار جایی برای خواندن کتاب باز کرده است.

باشد که خواندن کتاب بشود روتین روزانه مان

Now We Are Six

When I was One,
I had just begun.
When I was Two,
I was nearly new.
When I was Three
I was hardly me.
When I was Four,
I was not much more.
When I was Five,
I was just alive.
But now I am Six,
I'm as clever as clever,
So I think I'll be six now for ever and ever

Happiness is a choice. Choose it every day

خوشبختی به انتخاب، هر روز انتخابش کن



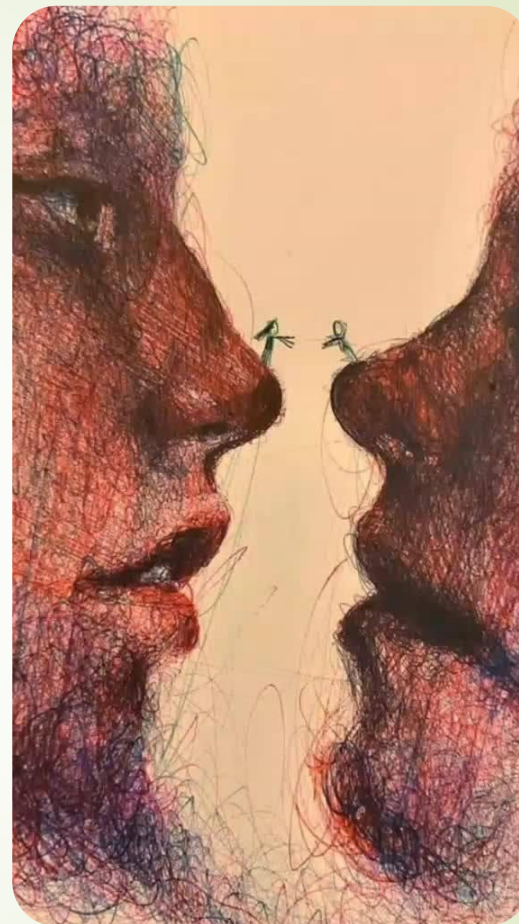
Николай Сергеевич Ашукин Туманный луч

Туманный луч луны дрожит печальный...
Взглянул в окно, по глубине зеркальной
Скользнул и затаился там на дне
Блестящей сонной ртути. В глубине
Слежу я этот мутный блеск хрустальный.

Не шевельну рукой и погребальный
Я слышу звон. Над гробом иль над спальной?
Как будто сжег мои глаза в огне
Туманный луч!

Нет даже призраков! И в этот час опальный
Напрасно кличет их мой голос дальный,
Напрасно тень трепещет на стене!
Но где ж я: наяву, в гробу, во сне?
Лицо целует ласково прощальный
Туманный луч...

«Русская мысль» № 7, 1916 г.
Николай Ашукин



DISCORSO ALL'IGNOTO ROMANO

Non c'è sul marmo il tuo nome.
 Né il tuo profilo né il volto
 rivelano chi sei stato.
 Sappiamo sol che hai sofferto,
 com'è d'ogni essere umano;
 che hai vissuto, e mirato quanto
 c'è tra l'anima e l'orizzonte,
 e hai veduto, tra le grandi stelle,
 gli abissi del cielo, nell'alta notte.
 Sei cresciuto, come gli animali e le piante;
 - ma sapendo che c'è amore e morte.
 Ed un pensiero si posò
 tra le rughe della tua fronte,
 e, dai tuoi occhi alle labbra,
 il solco della lagrima appare.

Perché fu intagliato il tuo volto
 nella pietra pallida e soave
 nessuno ricorda, o quali mani
 percorsero questa scultura.
 Sei stato potente? Del mondo
 che hai desiderato? e ottenuto?
 Qual sogno, in realtà visse nella
 radice delle tue pupille?
 Cosa pensavi della vita?
 Cosa, di te stesso, pensavi?



Ci vuole molto tempo
 per diventare giovani.
 (Pablo Picasso)



ԵԼԵԿՏՐՈՆԻԿ

Հագարումէկ բառ կայ հիմա ձեռքիս տակ

Ելեկտրոնիկ աղեղ եմ

Բառերէն բառ կը գատեմ
Յարմար բառը յարմարին քով ճարտարօրէն կը կցեմ

Թէ "երկինք"ն է
Կապոյտ կ'ըսեմ - ծաւի կ'ըսեմ - աստեղագարդ կամ
լազուարթ

Իսկ թէ "հով"ն է
Խենթ հով կ'ըսեմ - մոլեգնած հով - փոթորկաշունչ - ամեհի

Բայց Երբ "դուն " ես

Բառ չեմ գտներ գովքդ հիւսելու - իմ անոյշ –
Ելեկտրոնիկ նոյնիսկ ըլլամ կը խանգարուիմ - կը կենամ -

Հագարումէկ բառ կայ թէպէտ ձեռքիս տակ

Title: Why Do People Sometimes Hide Their True Feelings?

Abstract:

Hiding emotions is a common behavior in human interactions that is often rooted in fear, past experiences, cultural pressures, and social considerations. This article examines the psychological and social causes of this phenomenon and analyzes its effects on mental health and human relationships

Introduction:

Expressing emotions is one of the most important components of effective communication and mental health. However, many people hide their true feelings when faced with various situations. This behavior, although it may seem necessary or efficient in some situations, can have negative consequences in the long_ term

1. Fear of vulnerability

People often don't express their true feelings for fear of being judged, rejected, or underestimated. Expressing emotions means exposing the inner layers of the personality, and this transparency can be threatening for many

2. Past negative experiences:

Unpleasant experiences in the past, such as being ignored or blamed after expressing emotions, can lead to a person refraining from expressing emotions in the future. In other words, the mind subconsciously decides to hide in order to avoid repeating the pain.



3. Culture and pedagogy : In many societies, especially those that place a high value on power and emotional control, expressing negative emotions or being vulnerable is seen as a sign of weakness. This view can be ingrained in individuals from childhood and can prevent them from expressing their natural emotions.

4. Maintaining relationships or protecting others: Sometimes people hide their feelings to avoid upsetting others or to keep a relationship peaceful. While this behavior may be constructive in the short term, in the long term it can lead to misunderstandings, emotional exhaustion, and distance between the parties.

Consequences of Hiding Emotions: Constantly hiding emotions can lead to psychological disorders such as anxiety, depression, and a sense of identitylessness. It also weakens intimate relationships, reduces trust, and increases unresolved conflicts.

Conclusion:

Hiding emotions is a behavior that stems from a variety of factors, but ultimately threatens mental health and the quality of relationships. Teaching emotional expression skills, promoting open communication, and accepting vulnerability as a sign of emotional maturity can play an important role in reducing this phenomenon.

Titre : Pourquoi les gens cachent-ils parfois leurs vrais sentiments?

Abstrait:

Cacher ses émotions est un comportement courant dans les interactions humaines, souvent enraciné dans la peur, les expériences passées, les pressions culturelles et les considérations sociales. Cet article examine les causes psychologiques et sociales de ce phénomène et analyse ses effets sur la santé mentale et les relations humaines

Introduction:

L'expression des émotions est l'un des éléments les plus importants d'une communication efficace et d'une bonne santé mentale. Cependant, de nombreuses personnes cachent leurs véritables sentiments lorsqu'elles sont confrontées à diverses situations. Ce comportement, même s'il peut paraître nécessaire ou efficace dans certaines situations, peut avoir des conséquences négatives à long terme

Raisons de cacher ses émotions:

1. Peur de la vulnérabilité :

Les gens n'expriment souvent pas leurs vrais sentiments par peur d'être jugés, rejetés ou rabaissés. Exprimer ses émotions signifie exposer les couches intérieures de sa personnalité, et cette transparence peut être menaçante pour beaucoup



: Expériences négatives passées .2

être ignoré ou blâmé 'Des expériences désagréables dans le passé, comme le fait d'abstenir 'après avoir exprimé des émotions, peuvent amener une personne à s'esprit décide 'autres termes, l'avenir. En d'exprimer ses émotions à l'd éviter que la souffrance ne se reproduise'inconsciemment de se cacher afin d

Culture et éducation:3

Dans de nombreuses sociétés, en particulier dans les cultures qui accordent une grande importance au pouvoir et au contrôle émotionnel, exprimer des émotions négatives ou une vulnérabilité est considéré comme un signe de faiblesse. Cette exprimer 'enfance et les empêcher d'vision peut être ancrée chez les gens dès l leurs émotions naturelles

4. Entretenir des relations ou protéger les autres :

Parfois, les gens cachent leurs sentiments pour éviter de contrarier les autres ou pour maintenir une relation paisible. Bien que ce comportement puisse être constructif à court terme, à long terme, il provoque des malentendus, un épuisement émotionnel et un éloignement entre les parties

Conséquences de la dissimulation des émotions :

Cacher constamment ses émotions peut entraîner des troubles mentaux tels que l'anxiété, la dépression et un sentiment d'identité. Cette tendance affaiblit également les relations intimes, réduit la confiance et augmente les conflits non résolus.

Conclusion:

Cacher ses émotions est un comportement qui découle de divers facteurs, mais qui menace en fin de compte la santé mentale et la qualité des relations. L'enseignement des compétences d'expression émotionnelle, la promotion d'un dialogue ouvert et l'acceptation de la vulnérabilité comme signe de maturité émotionnelle peuvent jouer un rôle important dans la réduction de ce phénomène.

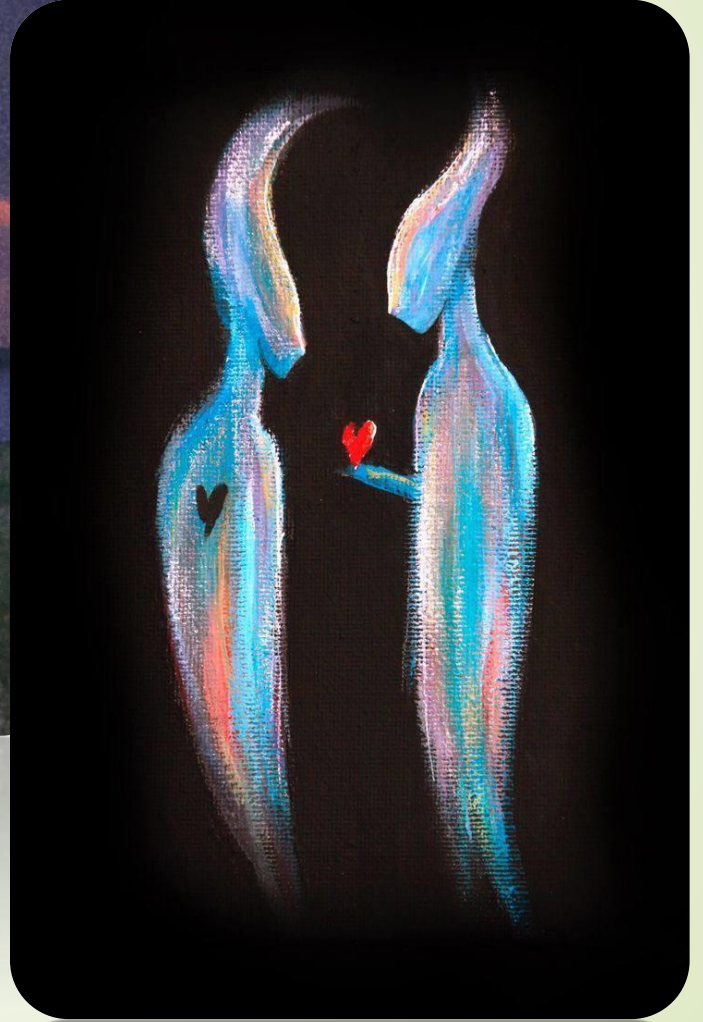
Translated by Mahkameh ejtemae fard



**Dream big, work hard, stay focused,
and make it happen ✨🚀**

رویاهای بزرگ داشته باش، سخت کار کن، متمرکز

بمان و بجهشون برس





دیپلمات، اندیشمند سیاسی، مشاور ژئوپلیتیک و سیاستمدار آمریکایی بود که در فاصله سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۷ در دولت‌های رؤسای جمهور آمریکا ریچارد نیکسون و جerald فورد به‌عنوان وزیر امور خارجه و مشاور امنیت ملی فعالیت کرد.

کیسینجر از پناهندگان یهودی بود که در سال ۱۹۳۸ با خانواده‌اش از آلمان نازی گریخت. او زیر نظر ویلیام یاندل الیوت در کالج هاروارد تحصیل کرد و در سال ۱۹۵۰ با بالاترین سطح عالی از این کالج فارغ‌تحصیل شد. او به‌ترتیب در سال‌های ۱۹۵۱ و ۱۹۵۴ مدرک کارشناسی و دکترای فلسفه خود را در دانشگاه هاروارد دریافت کرد. کیسینجر در سال ۱۹۶۹ مشاور امنیت ملی و در سال ۱۹۷۳ وزیر امور خارجه آمریکا شد. او در سال ۱۹۷۳، به‌خاطر کنش‌هایش برای آتش‌بس در ویتنام، جایزه صلح نوبل را تحت شرایطی مناقشه‌برانگیز که دو نفر از اعضای کمیته به اعتراض استعفا دادند، دریافت کرد. او که از سیاست‌ورزان رویکرد عمل‌گرایانه به سیاست موسوم به سیاست واقعی بود،

نقش برجسته‌ای در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بین سال‌های ۱۹۶۹ و ۱۹۷۷ ایفا کرد. در این دوره او پیشگام سیاست تنش زدایی با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود، ترتیب برقراری روابط ایالات متحده آمریکا با جمهوری خلق چین را داد، در آنچه دیپلماسی رفت و برگشت در خاورمیانه برای پایان دادن به جنگ یوم کیپور نام گرفت درگیر شد و قرارداد صلح پاریس را مذاکره کرد که به درگیری آمریکا در جنگ ویتنام پایان داد. کیسینجر همچنین با سیاست‌های بحث‌برانگیزی چون درگیری آمریکا در کودتای ۱۹۷۳ شیلی، «چراغ سبز نشان دادن» به نظامیان آرژانتینی برای جنگ کثیف و حمایت آمریکا از پاکستان در جریان جنگ استقلال بنگلادش با وجود نسل‌کشی بنگالی‌ها از سوی پاکستان مرتبط دانسته می‌شود. کیسینجر پس از ترک دولت، شرکت مشاور ژئوپلیتیک کیسینجر اسوسییتس را تأسیس کرد. کیسینجر ده‌ها کتاب در زمینه تاریخ دیپلماتیک و روابط بین‌الملل نوشته‌است.

کیسینجر تا پایان عمر چهره بحث‌برانگیز و قطبی‌کننده‌ای در سیاست آمریکا باقی ماند که از سوی بسیاری روزنامه نگاران، کنشگران سیاسی و وکلای حقوق بشر به عنوان یک متهم به جنایت جنگی محکوم و از سوی بسیاری از دانشوران برجسته روابط بین‌الملل به عنوان یک وزیر امور خارجه بسیار مؤثر آمریکا تحسین می‌شود. [۸] با مرگ جرج پی. شولتز صدساله در فوریه ۲۰۲۱، کیسینجر پیرترین عضو سابق کابینه ایالات متحده آمریکا و آخرین بازمانده کابینه نیکسون بود. کیسینجر در ۲۷ مه ۲۰۲۳، ۱۰۰ ساله شد. وی در ۲۹ نوامبر ۲۰۲۳ درگذشت. مائو تسه‌تونگ رهبر سابق چین در معاملات تجاری با هنری کیسینجر؛ پیشنهاد داد ده میلیون زن چینی به آمریکا صادر کند.

ادعای هولناکِ مدیرعاملِ نتفلیکس مبنی بر نجات هالیوود: «تماشاگران ترجیح می‌دهند فیلم‌ها را در خانه ببینند»!



آنی
مجدب

مدیرعامل مشترک نتفلیکس تاکید کرد که سینما رفتن برای بسیاری از مردم به امری از مد افتاده تبدیل شده و نتفلیکس با ارائه محتوای سینمایی در خانه، در حال نجات هالیوود است.

به گزارش ایسنا، تد سارانندوس، مدیرعامل سامانه نمایش آنلاین نتفلیکس، در سخنرانی خود در اجلاس تایم ۱۰۰ در نیویورک گفت که نتفلیکس با ایجاد دسترسی گسترده به آثار سینمایی، به ویژه برای ساکنان مناطق روستایی که امکان رفتن به سینما را ندارند، در حال نجات صنعت سرگرمی است.

او نتفلیکس را یک «شرکت کاملاً مصرف‌کننده‌محور» توصیف کرد و گفت: «ما برنامه‌ها را به شکلی ارائه می‌کنیم که شما دوست دارید آن‌ها را تماشا کنید.» ساران‌دوس افزود کاهش فروش گیشه نشان می‌دهد که «مصرف‌کنندگان دارند به ما چه می‌گویند؟ پاسخ این است که آن‌ها ترجیح می‌دهند فیلم‌ها را در خانه ببینند.»

وی در پاسخ به این پرسش که آیا تماشای فیلم به صورت جمعی در سالن سینما ایده‌ای منسوخ شده است، گفت: «من معتقدم که این ایده برای اکثر مردم دیگر کارآمد نیست، البته نه برای همه.» در سال ۲۰۱۹، نتفلیکس آخرین سالن سینمای تک‌صفحه‌ای منهن را خریداری کرد، اما با آغاز همه‌گیری کرونا، برتری این پلتفرم نسبت به سالن‌های سینما سرعت بیشتری گرفت. با این حال، دریافت جایزه اسکار بهترین فیلم همچنان از دست نتفلیکس دور مانده است. به گزارش گاردین، ساران‌دوس همچنین به تاثیر نتفلیکس در گسترش سلیقه مخاطبان اشاره کرد و گفت مشترکان این پلتفرم اغلب به تماشای ژانرهای گوناگون علاقه نشان می‌دهند. مدیر نتفلیکس در ادامه به چالش‌های صنعت سرگرمی در معادلات تجارت جهانی پرداخت و گفت: «اغلب اوقات صنعت سرگرمی مثل یک کسب‌وکار واقعی جدی گرفته نمی‌شود.»

او هشدار داد که در برخی توافقات تجاری، برای بخش سرگرمی محدودیت‌های سرمایه‌گذاری ویژه‌ای اعمال می‌شود که دیگر صنایع مشمول آن نیستند.

نگرانی‌ها درباره تأثیر جنگ‌های تعرفه‌ای دولت ترامپ نیز بخشی از صحبت‌های ساران‌دوس بود. او به محدودیت‌های جدید چین در واردات فیلم‌های آمریکایی اشاره کرد که در پاسخ به تعرفه‌های آمریکا بر کالاهای چینی اعمال شده است. اداره فیلم چین نیز اعلام کرده که این اقدام می‌تواند محبوبیت فیلم‌های آمریکایی در بین تماشاگران چینی را کاهش دهد.



آیا می توانید یک گروه قدرتمند را تصور کنید که هیچ مرز ملی ندارد ، بالاتر از قوانین همه کشورها ، گروهی که در همه جنبه های سیاست ، دین ، تجارت و صنعت ، بانکداری ، بیمه ، معدن ، تجارت مواد مخدر و صنعت نفت ، خود بنیاد باشد؟ آیا گروهی را سراغ دارید که به جز اعضای خود به کسی پاسخگو نباشد؟ به نظر می رسد از نظر اکثریت قریب به اتفاق ما ، چنین گروهی فراتر از حیطه امکانات و توانایی های هر سازمان خاص باشد. اگر این همان چیزی است که شما اعتقاد دارید ، پس اکثریت هستید. تصور وجود یک گروه نخبه مخفی که بر همه جنبه های زندگی ما کنترل دارند فراتر از درک ماست. آمریکایی ها مستعد این هستند که بگویند: "اینجا نمی تواند اتفاق بیفتد ، قانون اساسی ما آن را منع کرده است".

اگر این مسائل ذهن شما را درگیر کرده است می توانید کتاب "کمیته ۳۰۰ نفر" را بخوانید. وقتی بیشتر مردم سعی می کنند مشکلات ما را برطرف کنند ، در مورد "آنها" صحبت می کنند یا می نویسند. این کتاب به طور دقیق می گوید که "آنها" چه کسانی هستند و "آنها" برای آینده ما چه برنامه ریزی کرده اند ، چگونه "آنها" ۵۰ سال با ملت آمریکا در جنگ بوده اند ، چه روش هایی "آنها" استفاده می کنند و دقیقا "آنها" چگونه مغز ما را شسته اند. اگر متحیر و مبهوت هستید که چرا اتفاقاتی رخ می دهد که ما به عنوان یک کشور دوستشان نداریم اما هنوز نمی توانیم جلوی آنها را بگیریم ، چرا این به نظر می رسد که ایالات متحده همیشه از یک اصل اشتباه حمایت می کند ، چرا ایالات متحده در رکود است چرا که ارزشهای اجتماعی و اخلاقی سابق ما کنار گذاشته شده و ظاهرا دفن شده اند، پس به سراغ این کتاب بروید.

مجتبی محسنی؛ جلال ایرانمنش؛ عبدالرضا محمدحسینزاده

Introduction: the emergence of divorce phenomenon can influence the women's cognitive, psychological and communicative processes. the present study was conducted aiming to determine the effectiveness of transactional behavior analysis therapy on life quality and self-esteem of the divorced women. **Methods:** it was a quasi-experimental study with pretest, posttest with control group. The statistical population of the current study was all divorced women who referred to consultation centers in the city of Ahvaz in 2017. 30 divorced women were selected through purposive sampling method and they were randomly accommodated into experimental and control groups (each group of 15). The divorced women in the experimental group received transactional behavior analysis therapy (Noshadi and Mo'tamedi, 2015). The questionnaires of life quality (WHO, 1994) and self-esteem (Rosenberg, 1965) were used. The data from the study were analyzed through MANCOVA method. **Results:** the results showed that the transactional behavior analysis therapy has had significant effect on life quality and self-esteem of divorced women ($p < 0.001$). **Conclusion:** according to the findings of the present study it can be concluded that the transactional behavior analysis therapy can be used as an efficient method to improve life quality and self-esteem of the divorced women concentrating on the person's sensual moods, knowing different types of relationship and organizing the person's time and planning for it.



ادامه داستان "زهرمار" از مهربانو سیده زهره مقیمی

54

اون شب دادلواتپایو رو خوردیم و خوابیدیم ولی من بدجوری به خاطر زن عموم عذاب وجدان داشتم واقعا نمی‌دونستم که حامله‌س. به هرشکلی بود اون شب خوابیدم. صبح که بیدار شدم بعد از خوردن نون پنیر چایی شیرین رفتم که برنامه درسیم رو بذارم تو کیفم یهو یادم افتاد که دفتر مشق و کتاب فارسیم تو پشت بوم جا مونده. به پشت بوم رفتم دیشب انگاری کمی بارون باریده بود چون دفتر و کتابم کمی نم داشتن. یه دفعه ننه داد زد:

-هوی مهرعلی قابلمه شیر همسایه رو ببر سرراحت بده بهشون.
-چشم ننه می‌برم.

سریع از پشت بوم اومدم پایین کتاب و دفتر خیس رو داخل کیفم گذاشتم قابلمه شیر رو از تو ایوون برداشتم و به سمت مدرسه راهی شدم در حیاط همسایه مون باز بود. قابلمه شیر رو همون جا جلوی در خونه شون گذاشتم و داد زدم:

-همسایه شیرتون رو گذاشتم اینجا بیاین بردارین!
و برای این که لازم نباشه توضیحی راجع به قابلمه بدم دیگه و اینستادم و به سمت مدرسه دویدم به محض رسیدن به کلاس دفتر و کتابم رو در آوردم و بردم گرفتم رو بخاری کنار کلاس که خشک بشن خیلی زود معلم اومد و به محض ورودش...

-بچه‌ها مشقاتون رو بیارین من ببینم. بچه‌ها یکی یکی می‌رفتند و مشقاتون رو معلم نگاه می‌کرد و خط می‌زد. ولی من تمام وجودم رو استرس گرفته بود. یه دفعه معلم نگاهم کرد -مهرعلی مشقاتو بیار!
من داشتم از ترس سخته می‌کردم دفتر مشقم رو برداشتم رفتم دفتر رو روی میزش گذاشتم خواست دست بزنه فهمید که خیسه سریع دستش رو کشید مثل این که چندشش شده بود.
-چرا دفترت خیسه؟ دفترت رو ورق بزن ببینم!

همین طور که داشتم به سختی ورق‌های چسبیده بهم رو ورق می‌زدم...

-آقا اجازه مشقام رو تو پشت بوم نوشتم یادم رفت دفترم موند تو پشت بوم بارون زده خیس شده.



-بینم کدوم مشقارو تو پشت بوم نوشتی؟

صفحه‌هایی که محسن نوشته بود آوردم. وای افتضاح بود. اصلا معلوم نبود چی نوشته. معلم عصبانی داد زد:

-اینا چین مهر علی؟

من که از ترس زبونم بند اومده بود.

-اقا بارون خورده کم رنگ شده.

معلم یهو با خط کش تو دستش یه دونه محکم کوبید به کتف من و فریاد زد:

-میگم اینا چین؟ خودت می تونی اینارو بخونی؟

من که حالا بغض کرده بودم.

-می تونم اقا.

-بخوون بینم!

من شروع کردم ته ته په ته کردن واقعا نمی شد بخونی. هرچه قدر تلاش کردم نتونستم بخونم. واقعا محسن چی نوشته بود. معلم یکی دیگه با خط کش زد تو سرم.

-لابد موقع کفتر بازی داشتی مشقات رو می نوشتی؟!

من که حالا دیگه گریه م گرفته بود وچیلک چیلک اشک می ریختم.

-بخشید اقا...

۲۸ اردیبهشت روز جهانی موزه و هفته میراث فرهنگی گرامی باد.

روز جهانی موزه - گسترش موزه های دنیا و همکاری همه جانبه ی علمی ، فرهنگی و صنعتی ، در جهت دستیابی به اهداف فرهنگی از طریق هماهنگ ساختن اقدامات بین المللی و تدوین برنامه هایی مؤثر است که دارای خطوط اساسی همکاری مشترک و دو جانبه بین مردم و موزه ها در سطح جهانی باشد .

بر اساس همین عقیده، در قطعنامه ی شماره ی پنج دوازدهمین مجمع عمومی کمیته ی بین المللی موزه ها ایکوم (ICOM) که در ۲۸ مه ۱۹۷۷ میلادی در مسکو برپا شد ، روز ۱۸ مه برابر با ۲۸ اردیبهشت به عنوان روز جهانی موزه ها اعلام شد و از آن سال در روز جهانی موزه در همه ی کشورهای عضو ، مراسمی به مورد اجرا گذاشته می شود.



تعریف موزه

بر مبنای تعریفی که "ایکوم" از موزه می دهد ، موزه عبارت است از مکان گردآوری ، نگهداری ، مطالعه ، بررسی کردن و به نمایش گذاشتن نعمتهای فرهنگی یا طبیعی به منظور آموزش ، پژوهش و ارزش دادن به این مجموعه ها و لذت بردن از آنها .

اهداف موزه:

هدفهای موزه را می توان بدین صورت خلاصه کرد :

۱- یکی از اهداف موزه، نگهداری آثار گذشتگان و نمایش و انتقال آنها به آیندگان .

۲- ارزیابی و قیاس میان پدیدارهای تاریخی، عملی، فنی، صنعتی و هنری گذشته و حال.

۳- یکی دیگر از اهداف موزه که میتوان نام برد، ایجاد و تقویت تفاهم میان ملل و اقوام است.

۴- شناخت و نمایش سهم اقوال و ملل در فرهنگ و تمدن جهانی .

۵- اعتلاء و بهبود میزان دانش محصلان، دانشجویان، پژوهشگران و

۶- جلوگیری از انهدام فرهنگ بومی و ایجاد سدی در برابر فرهنگهای نامأنوس، نیز از دیگر اهداف موزه است.

منشاء موزه ها، خواه در گنجینه های سلطنتی یا کلیسایی قرون وسطا و یا در اطاقهای کوچک حاوی اشیاء و نمونه های کمیاب که در فاصله قرنهای شانزدهم و هجدهم میلادی گرد آوری شده، نهفته است.



برای ارسال آثار خود و همچنین داشتن مصاحبه با مجله
آنی با شماره واتساپ و تلگرام زیر تماس حاصل
فرمایید:



۰۹۲۲۳۷۸۹۱۸۰

[t.me/ani letters](https://t.me/ani_letters)
www.ani_letters.com
[@anita_arzoomanian](https://www.instagram.com/anita_arzoomanian)



ANI PODCAST

ANI PODCAST